

پی‌یر بور دیو

دکتر علیرضا شایان مهر



نشر اختران

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۱	زندگینامه
۱۲	آثار پی‌یر بوردیو
آرای پی‌یر بوردیو	
۱۵	دانش جامعه‌شناسی
۲۳	فرهنگ، هنر و ادبیات
۳۲	اقتصاد، سیاست
۳۹	مبانی شناخت جامعه
۳۹	خانواده
۴۰	دولت، قانون
۴۱	میدان
۴۵	عادت‌واره
۴۷	تمايز
۴۸	سبک زندگی
۵۰	خصلت
۵۱	فضا، فضای اجتماعی
۵۳	کنش
۵۴	تشخص
۵۴	ساختار
۵۵	دوکسا
۵۵	روش‌فکر
۵۶	رویای علوم اجتماعی
۵۹	بررس و نقد آرای پی‌یر بوردیو

آرای پی‌یر بوردیو

دانش جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسی، درک رفتار کنشگران در میدانی است که در آن قرار گرفته‌اند. این رشته‌ی علمی، ضرورت‌هایی را که باعث آن رفتارهاست مطالعه می‌کند.

جامعه‌شناس همانند هر عامل اجتماعی دیگر، خود دارای دیدگاه و اندیشه است. به هنگام عینی‌سازی کمی (روش‌های آماری) و متغیرهای کیفی (کاوش) دیدگاه‌های جامعه‌شناس و نظرات او به گونه‌ای محتمل خود را دخالت می‌دهد. ضرورت دارد جامعه‌شناس بر افراد و سازوکارها و شرایط روحی و روانی و فضای اجتماعی تحقیق خود احاطه داشته باشد، آنها را بشناسد و متوجه اثرگذاری آنها باشد.

جامعه‌شناسی علم است. اگر علوم طبیعی با قوانین سروکار دارد و جامعه‌شناسی با تفهم، شهود و تفسیر، توصیف عامل (محقق، جامعه‌شناس) می‌تواند زمینه را برای بررسی علمی فراهم سازد. جامعه‌شناسی با اتخاذ روش‌های علمی، تمایزات میان رشته‌های علمی را کاهش می‌دهد.

واقعیت‌های اجتماعی دارای ابعاد گوناگون است و نظرات متفاوتی در آن دخالت پیدا می‌کنند، جامعه‌شناس باید نظرات مختلف و ابعاد دیدگاه‌های گوناگون را بررسی و مورد توجه قرار دهد.

مباحث جامعه‌شناسی از عوامل سلطه، اشکال زور و فریب، و استعمار دور نیست، جامعه‌شناس این عوامل اثرگذار را باید بشناسد. گاهی این شناخت با مقاومت و مخالفت سایر جامعه‌شناسان با ایدئولوژی‌های مختلف روبه‌رو می‌شود. وظیفه‌ی جامعه‌شناس علیرغم مشکلاتی که ممکن است او را درگیر سازد، شفاف‌سازی است.

جامعه‌شناس بین عقل‌گرایی خشک از یک‌سو و هیچ‌انگاری علم از سوی دیگر به حقیقت و دستاوردهای علمی هر چند ناقص می‌پردازد. نه یکسره خود را در اثبات‌گرایی محدود می‌کند. و نه به دستاوردهای آن بی‌توجه می‌ماند. جهان‌قاعده‌مند است. جامعه‌شناس این قاعده‌مندی را با قواعد آماری، علمی، و هنجاری برای درک جهان اجتماعی و خصیلت‌های آن مورد مشاهده و بررسی قرار می‌دهد. با تکیه بر عقلانیت عملی که خصیلت‌ها و کنش‌های ما را شکل می‌دهد می‌کوشد به کشف قواعد دست‌یابد.

جامعه‌دارای ساختار و کالبد است. این ساختارها نوعی سلطه‌ی اجتماعی ایجاد می‌کنند. جامعه‌شناس با شناخت باورهای مردم و پیوند با آنان و آشنایی با دیدگاه نخبگان به نبرد با جبرگرایی اجتماعی و سلطه‌ی نمادین آن بر می‌خیزد.

پژوهشگر با شناخت تاریخ، از سلطه‌ی گذشته که در اکنون تداوم دارد و از اکنون که در اشکال مختلف مدهای جامعه‌شناسی و روشنفکری قرار گرفته است باید خود را رها سازد.

جامعه‌شناسی به‌جای تأیید یا نقد یک طایفه یا ملت به منطق مبارزات آنها توجه می‌کند. به‌دلیل شکنندگی ساختارها، بازی‌های سیاسی، قدرت‌های حاکم، و فشارها جامعه‌شناسان برای درک و عرضه‌ی حقیقت پیوسته در معرض تهدید قرار دارند. با وجود این،

جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی نمی‌توانند و نباید ابزار دستکاری، توجیه، و مشروعیت‌بخشی وضع موجود باشد. پژوهشگر با و به نام مردم سخن گفتن یا با مطالعه پیرامون علائق آنها مانند رفع تبعیض و غیره نمی‌تواند گسست‌های اجتماعی را پنهان سازد و با توصیه‌های جامعه‌شناسانه آنها را جبران کند.

دانش روشنگر و رمزگشاست. اتفاقات و رازهای جهان را با ساختارها، سازوکارها، میدان‌های رقابت، میدان‌های هنر، فکر، علم و ابزار مرتبط با آنها می‌توان شناخت و از این طریق درهای بسته را گشود. در جهان اجتماعی نظام‌های نمادین، زبان، و اسطوره مستقل از آگاهی و اراده‌ی انسان‌ها وجود دارند و به رفتار آنها جهت می‌دهند. هر یک از این مقوله‌ها دارای ساختارند و پیوسته در حال تکوین‌اند. در تبیین رفتارها فشارهای بیرونی قابل بررسی‌اند و می‌توان با همبستگی‌های آماری یا روش‌های عینی بر عوامل اثرگذار تفوق یافت و از میان داده‌ها و اطلاعات گوناگون قوانین را استخراج کرد.

جامعه‌شناسی منطق کردارهای عاملان و سازوکارهای سلطه‌بر آنان را بر می‌رسد. افراد در مالکیت، ثروت، قدرت، عادت‌واره‌های طبقاتی مشترک و برای تغییر وضعیت خود مبارزه می‌کنند. به این ترتیب این افراد تبدیل به یک طبقه‌ی عینی (نه انتزاعی) می‌شوند و می‌توان مطالعات و پژوهش‌های دقیق درباره‌ی آنها انجام داد.

مفهوم و انگاره متفاوتند. پژوهش اجتماعی در فعالیت‌های نظری و تجربی در ارتباط با سایر مفاهیم و نظریه‌ها انجام می‌شود و مفهوم‌های علمی از میان آنها به دست می‌آید. اما در انگاره‌ها